

متن پرسش

با سلام و احترام دختری.....ساله دانشجوی سال.....روانشناسی هستم با دغدغه های بسیار در زمینه غربی بودن این رشته!مدتهاست که در تعارضی سرگردانم.خیلی این در و آن در زده ام...بسیار فکر کرده ام... با دیگران صحبت کرده ام ...ولی به نتیجه ای نرسیده ام.راستش به رشته ام علاقه مندم وخیلی دوست دارم در راستای صحبت های آقا در زمینه بومی سازی علوم انسانی با کمک خدا قدمی هرچند کوچک بردارم و ادای تکلیف کنم...از طرفی این مسئله نیز رهايم نمی کند که برای ادامه تحصیل وانجام کارعلمی -پژوهشی مجبورم با نامحرم درارتباط باشم. واین باور قلبی را هم دارم که ارتباط با نامحرم هرچقدرهم که حدود را رعایت کنم واز لحاظ شرع پسندیده عمل کنم اثراش را خواهد گذاشت مسیر سلوک و قرب را برایم سخت تر ودورتر خواهد کرد...حجاب های جانم رابیشتر خواهد کرد...توفیقات را سلب خواهد کرد و... نزدیک ۲سال است که دراین تعارض اسیرم.نمی خواهم بیشتر ازاین جونی ام وفرصتهای ناب را در این بلاتکلیفی از دست بدهم. البته هدف اصلی واساسی ام برایم مشخص است: خشنودی خدا و آقا امام زمان(روحی له الفداء).ولی تکلیفم را نمی توانم تشخیص دهم؟! خواهش میکنم لطف کنید مرا راهنمایی بفرمایید.متشکرم

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: مقام معظم رهبری«حفظه الله» می فرمایند: «آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی بخشید؛ ... و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمیفهمیدیم - همچنان که امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ کس درک نمی کرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما میگفتند که شما فکر میکنید با همین مردم میشود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحقیر حرف میزدند، کأنه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره میکنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانائی های آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاک بزرگ نورانی بیرون می آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه ی قشرها آمدند توی

کمیتہ؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبہ آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچہ و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیتہ شدند. آن روزی کہ نوبت جنگ شد، ہمہ بہ دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی کہ امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راہگشائی‌ها تا امروز ہم ادامہ دارد. بہ نظر من الان ہم ہرچہ ما داریم پیش میرویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کردہ، کہ حالا حالاہا امثال بندہ باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل بہ نسل ہم دارد دست بہ دست میشود. امام در زمینہی زن ہم ہمین جور بود. امام نقش زنان را فہمید؛ والا بودند بزرگانی از علما کہ ما با اینها بگومگو داشتیم، کہ اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی کہ انسان بہ او تکیہ میداد، خاطرجمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی کہ از مراکز مهمی ہم ارائہ میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالآبدین بر این مرد بزرگ باد. بہ ہر حال نقش زنان، یک نقش بی‌بدیلی است. پس خود این نقش، اقتضاء میکند؛ چون آیندہ دارد. تازہ از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشتہ. سی و دو سال برای یک انسان ہم عمر جوانی است، چہ برسد برای یک تاریخ. این نظام الہی باید صدها سال عمر کند. ما ہنوز در اول جوانی‌اش ہستیم. آیندہ احتیاج دارد بہ این حضور زنانہ در مجموعہی حضور ملی. پس بایستی ما راجع بہ مسئلہی زن و حفظ این ظرفیت کہ در جامعہی ما وجود دارد، تلاش کنیم. «۱۴/۱۰/۹۰). با توجہ بہ سخنان رہبر معظم انقلاب باید در عین حضور در مجامع علمی رعایت دستورات الہی را بکنید. إن شاء اللہ با نظر بہ ہدف مقدسی کہ دارید حجاب‌ها زودگذر خواهند بود.

موفق باشید